

تحلیل رابطه سرمایه‌های روان‌شناختی - اجتماعی با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های خارجی

علیرضا حیدر نژاد^{۱*}، محمد علی عامری^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف رابطه سرمایه‌های روان‌شناختی - اجتماعی با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی انجام شد. تحقیق به لحاظ هدف بنیادی و به لحاظ روش همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری سرمایه روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی به ترتیب از پرسش‌نامه‌های لوتانز و آوولیو (۲۰۰۷) محقق ساخته مورد استفاده قرار گرفت. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۸۳ به دست آمد. جهت تحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیری و آزمون T) استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین سرمایه روان‌شناختی و خرده‌مؤلفه‌های آن (، تاب‌آوری، خوش‌بینی) و سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن (اعتماد و تعهد) با تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف رابطه معناداری معکوس وجود دارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز رابطه مؤلفه‌های تاب‌آوری، خوش‌بینی، اعتماد اجتماعی و تعهد اجتماعی با تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف را تأیید کرد. با توجه به رابطه معکوس مؤلفه‌های اعتماد و تعهد اجتماعی با تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش اعتماد و تعهد اجتماعی در میان جوانان می‌توان از تمایل آنان به گروه‌های انحرافی کاست. همچنین ضریب تأثیر متغیر تاب‌آوری و خوش‌بینی به ترتیب برابر با ۰/۲۴۸- و ۰/۲۲۴- به دست آمد که می‌توان نتیجه گرفت که هر چه افراد دارای تاب‌آوری و خوش‌بینی بالایی باشند، تمایل کمتری به انجام خرده‌فرهنگ منحرف دارند.

۱. استادیار رشته جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات علوم اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

alirezahaydarnejad@gmail.com

۲. استادیار رشته مدیریت پیشگیری از جرم و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات علوم اجتماعی،

تهران، ایران

واژگان کلیدی: سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی، تمایل به عضویت، خرده‌فرهنگ منحرف.

مقدمه

متن رابطه اجتماعی عنصر پیونددهنده کنشگران منفرد اجتماعی به یکدیگر است. جامعه‌شناسان کلاسیک و پیش از همه، ماکس وبر به بررسی روابط اجتماعی پرداخته‌اند. کمیت و کیفیت روابط اجتماعی بر کیفیت زندگی (مشمول بر کیفیت زندگی عینی و ذهنی) افراد تأثیر مهمی دارد. بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی با استفاده از مفهوم سرمایه‌های روان‌شناختی و اجتماعی ابعاد تازه‌ای یافته و مورد مذاقه بیشتری قرار گرفته است. کیفیت و کمیت روابط اجتماعی جوانان تعیین‌کننده فرصت‌های آینده آنان در زمینه‌های گوناگون زندگی خواهد بود. پیوندهای اجتماعی افراد، آنان را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهند و سبک زندگی خاصی را به آنان پیشنهاد می‌کنند. بنابراین بررسی چگونگی این روابط اجتماعی و نیز گرایش آنان به خرده‌فرهنگ‌های خاص نظیر خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی در نوع زندگی آینده آنان جزو عوامل تعیین‌کننده خواهد بود.

جوانان به عنوان یک سازه اجتماعی، فرهنگی و زیستی که زمینه‌ساز و پاسخگوی تغییرات اجتماعی هستند به موضوعی جاذب و محوری در گفت‌وگوهای مختلف در حوزه‌ی عمومی تبدیل شده‌اند فردگرایی، تمایزطلبی، استقلال‌جویی و مصلحت‌گرایی به عنوان سویه‌هایی اصلی هویتی و ارزشی طیف رو به افزایشی از جوانان است (ذکایی، ۱۳۹۶). گسترش فزاینده ارتباطات در دهه‌های اخیر و تحولات روزافزون و پیچیده ساختارهای اجتماعی ایجاب می‌کند که بررسی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی با دیدگاه‌های تازه‌ای تبیین شوند. شاید مهم‌ترین ویژگی قرن حاضر، پیوستگی پدیده‌های بومی با یکدیگر و با پدیده‌های جهانی باشد که شکل‌گیری تنوع گسترده‌ای از خرده‌فرهنگ‌ها بارزترین ویژگی آن است. این خرده‌فرهنگ‌ها در چارچوب نمادی مشترک و در عرصه‌های جدید انتقال فرهنگی در سراسر جهان اشاعه یافته است. شرایط تغییر یافته ساختاری زندگی جوانان، افق‌ها و چالش‌های جدید پیش‌روی آن‌ها، فراگیر شدن ارزش‌های جوانی و سیال بودن فرهنگ جوانان از جمله زمینه‌هایی هستند که سبب می‌گردند جوانان را تنها یک گروه جمعیتی نخوانیم. جوانان یک مقوله اجتماعی و یک سازه اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شوند و

به همین سان زمینه‌های تاثیرگذار بر نگرش و رفتار آن‌ها و نیز تاثیرات آن بر تحولات اجتماعی را نیز می‌بایست با پیچیدگی بیشتری در نظر گرفت (ذکایی، ۱۳۹۶).

گروه‌های جوانان اشخاص توانمندی هستند که دارای هنجارهای خاص خود بوده و ممکن است به صورت کامل از قواعد اجتماعی پیروی نکنند. گاه خرده فرهنگ‌های جوانی باعث مسایل اجتماعی شده و نگرانی بزرگ ترها را به همراه خواهد داشت. خرده فرهنگ خیابانی جوانان معمولاً با لغزش‌های اجتماعی - فرهنگی در ارتباط است این خرده فرهنگ‌ها هنجارهای واقعی جوانان را نشان می‌دهند (ربانی، ۱۳۹۳). پدیده‌ای مثل مدگرایی همیشه برای جوانان یک خرده فرهنگ بوده و گاه برای آن‌ها یک نوع سرنوشت عالی را ایجاد می‌کند. جوانان هر طبقه اجتماعی از لحاظ فرهنگی و رفتاری متفاوت از دیگر طبقات هستند. یکی از عواملی که فرض شده است در این پژوهش بر تمایل جوانان به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی اثرگذار است سرمایه اجتماعی است. امروزه صاحب نظران بر این باورند که سرمایه اجتماعی نقش موثری در کاهش هزینه فعالیت‌ها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد. هر چند بررسی تأثیر روابط اجتماعی (سرمایه اجتماعی) بر روی مسایل اجتماعی موضوع تازه ای نیست، اما آزمون واقعی سرمایه اجتماعی به عنوان یک سازه مفهومی منجر به شکل‌گیری بینش‌های تازه‌ای در روابط اجتماعی و تاثیر این بینش‌ها بر زندگی افراد می‌شود. همچنین سرمایه روان‌شناختی به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل در این پژوهش در نظر گرفته شده است. سرمایه‌های روان‌شناختی شامل ویژگی‌هایی از جمله باور فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت، استمرار داشتن در دنبال کردن هدف، اسناد مثبت درباره خود داشتن و همچنین تحمل سختی‌ها و مشکلات است (لوتانز^۱ و یوسف، ۲۰۰۷). گلدستوم، وئوم و دارتی^۲ (۱۹۹۷) درباره این سازه روان‌شناختی اعلام می‌کنند که سرمایه روانی شامل دریافت‌های فرد از میزان هماهنگی بین هدف‌های معین و ترسیم شده با پیامدها عملکردی است که در فرایند ارزیابی‌های مستمر به دست می‌آید و به رضایت درونی و نسبتاً پایدار در توالی زندگی منتهی می‌شود. سرمایه‌های روان‌شناختی یک منبع یا عامل نهفته در برخی متغیرهای

-
1. Luthans & Youssef
 2. Goldsmith, Veum & Darity

روان‌شناختی دیگر، از قبیل امیدواری، تاب‌آوری، خوشبینی و خودکارآمدی است که در هر یک از این متغیرها نیز نمایان است (اوی، پاترا و وست، ۲۰۰۶). امید به عنوان ادراک فرد از توانایی‌هایش تعریف می‌شود که باعث ایجاد راهی به سوی هدف مشخص و سپس برانگیختن وی در استفاده از راه‌هایی چندگانه برای پیشرفت به سوی اهدافش است، خوشبینی سبک اسنادی مثبتی است که فرد در مورد توانایی خود در رسیدن به موفقیت در حال حاضر و آینده اتخاذ می‌دارد. خودکارآمدی یعنی اطمینان داشتن درباره تلاش‌های مورد نیاز برای موفقیت در مورد تکلیف‌های چالش‌زا و تاب‌آوری به معنای مقاومت در برابر مشکلات و مصیبت‌ها برای رسیدن به موفقیت است. نکته مهم آن است که امروزه به دلیل آن که مزیت‌های روانی در کنار تفاوت‌های فردی سهم عمده در تغییر خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف دارند، نقش مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی بیشتر شده است. تحقیقات گوناگون نشان داده است سرمایه روان‌شناختی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مهمی برای رفتارهای فرافکنی، گرایش‌ها و نگرش‌ها از جمله خرده‌فرهنگ‌های کجرو باشد (هویدا، جعفری، پیروش و کمالی دولت‌آبادی، ۱۳۹۱).

از طرف دیگر ورود عناصر فرهنگی خرده فرهنگ‌های منحرف خارجی، رپ، هوی متال و نظایر آن یکی از مصادیق بازار اشاعه فرهنگی است، که به علت ماهیت نامتقارن تحمیلی و سلطه‌گرآن‌هاش حالت یک هجوم فرهنگی را به خود گرفته است و مردم و مسئولین جامعه را به شدت نگران نموده است. جوانان و نوجوانان به سبب ویژگی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی بیشتر از سایر اقشار اجتماعی در معرض این تهاجم قرار دارند و ممکن است به خاطر عدم جامعه‌پذیری کامل در مقایسه با میانسالان و بزرگسالان مقاومت کمتری در مقابل آن از خود نشان دهند. همچنین شهرهای بزرگ در مقایسه با سایر شهرها به خاطر توسعه و گسترش وسایل ارتباط جمعی، ناهمگونی اجتماعی و آزادی فردی مدخل مناسبی برای ورود و گسترش عناصر فرهنگی این خرده فرهنگ‌ها هستند در این چنین زمینه‌ای رسالت فرهنگی - تربیتی آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین متصدی رسمی حفظ و انتقال فرهنگ، که مسئولیت انتقال فرهنگ و تربیت بخش اعظم نوجوانان جامعه را به عهده دارد، ایجاب می‌کند که مصادیق این جریان را در میان جوانان و نوجوانان شناسایی نماید و مکانیزم‌ها و ساز و کارهای تحقق عملی آن‌ها را بیابد تا بتواند با مصون‌سازی فرهنگی آن‌ها

را در برابر این جریان مقاوم نماید و هویت فرهنگی آنان را حفظ نماید (هاشمی، ۱۳۹۱). تحقیقات نشان داده‌اند که پذیرش عناصر فرهنگی بیگانه توسط اعضای یک جامعه در طول زمان و به تدریج صورت می‌گیرد، یعنی تمام اعضای یک جامعه همزمان عناصر فرهنگی جدید را نمی‌پذیرند، بلکه به ترتیب و در طول زمان آن را می‌پذیرند. به عبارت دیگر ابتدا تعداد کمی از افراد ایده جدید را می‌پذیرند، سپس بیشتر آن‌ها مطلوب بودن را می‌پذیرند. از سوی دیگر استفاده از نمادها و هنجارها و سایر عناصر می‌تواند زمینه را برای پذیرش اعتقادات مربوط نیز فراهم آورد.

کاهش سرمایه اجتماعی پیامدهایی را به دنبال دارد که یکی از آن‌ها جهت‌گیری‌های خودخواهانه است. انتظار می‌رود که افراد یک جامعه به سمت جهت‌گیری‌های خودخواهانه و منافع شخصی به جای حقوق و تعهدات متقابل که ترکیب پیچیده‌ای از جهت‌گیری خودخواهانه و دگرخواهانه است پیش بروند. پیامد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، افزایش فساد و انحرافات اجتماعی در سطح جامعه است. بنابراین اگر برای شناسایی وضعیت این گروه‌ها در میان جوانان و نوجوانان آگاهانه اقدام نکنیم و در صورت تمایل جوانان و نوجوانان به هنجارها و اعتقادات این گروه‌ها موارد مورد علاقه، علل و عوامل آن را شناسایی نکنیم و نپیردازیم، فرهنگ‌های گروه‌های منحرف خارجی به فرهنگ حاکم در بین جوانان و نوجوانان و سایر نوجوانان تبدیل خواهد شد که با اهداف نظام آموزشی کاملاً مغایر است و آثار و پیامدهای آن سلامت جسمانی و روانی جوانان و نوجوانان و امنیت نظام اجتماعی را به شدت تهدید خواهد کرد. از این رو مسئله تحقیق این است که چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی خانواده و تمایل جوانان و نوجوانان به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف وجود دارد. شناخت و درک درست از وضعیت روابط اجتماعی می‌تواند به ما در درک بهتر علل تمایل جوانان و جوانان به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف یاری رساند.

حسن پور (۱۳۹۶) در تحقیقی که درباره علل گرایش جوانان به مظاهر فرهنگ غرب در اردبیل انجام داده، به این نتایج رسیده است که جوانان در استان اردبیل در حد بالاتر از متوسط به مظاهر فرهنگ غرب گرایش دارند. همچنین جنسیت و وضعیت تأهل افراد ارتباط زیادی با گرایش به مظاهر غرب دارد. بین سطح تحصیلات فرد و گرایش آن‌ها به مظاهر غرب ارتباط معناداری وجود دارد و سطح تحصیلات و مشاغل پدران نیز ارتباط معنادار و

زیادی را با گرایش به فرهنگ غرب نشان می‌دهد. مهرعلی (۱۳۹۵) نیز در بررسی علل گرایش برخی از جوانان به گروه‌های نابهنجار موسیقی به بررسی شناخت نحوه تأثیر عوامل اجتماعی نظیر خانواده، دوستان مدرسه و رسانه‌های جمعی و طبقه اجتماعی بر گرایش جوانان به گروه‌های نابهنجار موسیقی پرداخته است. نتایج تحقیق حیدری (۱۳۹۳) با عنوان «پدیده مدگرایی جوانان» نشان می‌دهد که مبنای عمل جوانان در پیروی از مد دو گونه است: جوانانی که مدگرایی آنان به معنای پیروی از خرده‌فرهنگ گروه‌های مطرود حاشیه‌ای است و جوانانی که معنای عمل‌شان از مد صرفاً جنبه خودآرایی یا خودنمایی دارد. طالبی (۱۳۹۲) در تحقیقی درباره بیگانگی ارزشی جوانان، به بررسی آرایش و نحوه عملکرد گروه‌ها و نهادهای فرهنگی و شناسایی ضعف‌های ساختاری در عملکرد نظام فرهنگی و تأثیر آن بر تعلقات ارزشی دانش‌آموزان می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد بین نحوه ارتباط و همکاری فرد با گروه‌ها و نهادهای فرهنگی و بیگانگی ارزشی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین بین استفاده از رسانه‌های خارجی و بیگانگی ارزشی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. رحیمی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «بررسی مظاهر و پیامدهای تهاجم فرهنگی در آموزش و پرورش و راه‌های مقابله با آن؛ السه و لوازم التحریر نمانام‌دار خارجی و انواع آن، اصلاح و آرایش موی سر به سبک غربی و گوش دادن به موسیقی‌های تند غربی و تماشای فیلم‌های غیرمجاز، همچنین روابط آزاد دختر و پسر و شرکت در مجالس رقص و پارتی به عنوان مظاهر تهاجم فرهنگی غرب در بین دانش‌آموزان قلمداد شده‌اند.

رایت^۱ و همکارانش (۲۰۱۳) رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و رفتار بزهکارانه را بررسی کرده‌اند. با استناد به نظریه کلمن یافته‌های آنان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی خانوادگی در طول زمان میزان بزهکاری را کاهش می‌دهد. آن‌ها همچنین نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی خانواده کنش متقابل و سطح وظایف را افزایش می‌دهد و مبنایی برای واپایش اجتماعی غیررسمی فراهم می‌سازد.

تروستل^۲ (۲۰۱۵) در تحقیقی که درباره همبستگی میان گرایش به موسیقی هوی‌متال و تمایل به باورهای خرافی در میان جوانان انجام داده بود به این نتیجه رسید که بین ترجیح موسیقی هوی‌متال و تشدید اعتقادات جادویی و خرافات روابط معناداری وجود دارد.

1. Wright
2. Trostel

استوارت هال و جفرسون^۱ (۲۰۱۶) در اثر تحقیقی خود با عنوان مقاومت از طریق مناسک به تبیین صورت‌های نمادینی می‌پردازند که خرده‌فرهنگ‌های پس از جنگ جهانی دوم مثل تدها^۲، کله پوستی‌ها^۳، راکرها^۴ و پانک‌ها^۵ به کمک آن با نظام اجتماعی موجود درگیر می‌شوند. تحقیقی که ویلیز^۶ (۲۰۱۴) به صورت مشاهده مشارکتی در زمینه گروه‌هایی چون هیپی‌ها پسران موتورسوار و نوجوان ضد مدرسه انجام داده است نشان می‌دهد که چندین سلسه فرهنگ‌های فرعی از گروه‌ها وجود دارد که با اختلاف طبقاتی، منطقه‌ای و جنسیتی متمایز ارتباط پیدا می‌کنند. مطالعه آوی، لوتانز و یوسف^۷ (۲۰۱۰) نشان داد که سرمایه روان‌شناختی با قصد ترک شغل رابطه منفی و با رفتارهای مثبتی مثل رفتارهای نوآورانه و باور افراد به توانمندی‌های خود در انجام موفقیت‌آمیز شغل رابطه مثبت دارد. لی^۸ (۲۰۰۰) در تحقیقی با مطالعه رابطه حمایت‌های اجتماعی و سلامت روان دانشجویان کره، نشان داد حمایت اجتماعی رابطه مثبتی با سرمایه روانی دانشجویان دارد و دانشجویان دارای سطح بالای حمایت اجتماعی، فشارهای روانی و استرس کمتری دارند. در پژوهشی دیگر نشان داده شد هرچه افراد به لحاظ اجتماعی منزوی تر باشند، از سلامت روانی کمتری برخوردارند و برعکس هرچه پیوستگی اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، آن جامعه سالم تر خواهد بود (وایتفورد^۹، ۲۰۰۰: ۳۳). با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در از پیشینه تحقیقات، می‌توان نتیجه گرفت که در زمینه رابطه سرمایه‌های روان‌شناختی - اجتماعی و مولفه‌های آن با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی تحقیقی صورت نگرفته است که ضرورت انجام این تحقیق را چند برابر می‌کند.

اصطلاح سرمایه روان‌شناختی که زیرمجموعه‌ای از روان‌شناسی مثبت‌نگر است به تازگی توسط فرد لوتانز (اولین و بزرگترین نظریه‌پرداز رفتار سازمانی) معرفی شد. لوتانز

1. Hall, S. and Gefferson
2. Teds
3. Skinheads
4. Rockers
5. Panks
6. Willis
7. Avey, Luthans and Youssef
8. Lee
9. Whitford

و همکارانش این اصطلاح را در سازمان‌ها به عنوان یک عامل ترکیبی و منبع مزیت رقابتی سازمان‌ها مطرح کردند. بر اساس تحقیقات آن‌ها، ارتقای سرمایه روان‌شناختی منجر به ارتقای سرمایه انسانی (دانش و مهارت‌های افراد) و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط میان آن‌ها) در سازمان می‌شود. بنابراین سرمایه روان‌شناختی ابتدا در محیط کار مطرح شد، اما امروزه پژوهش‌هایی در خصوص تأثیر این سرمایه در سلامتی، عملکرد تحصیلی، عملکرد ورزشی و ... به انجام رسیده و همین پژوهش‌ها منبع غیر مستقیم این تحقیق هستند، زیرا در زمینه انحرافات تاکنون به این مفهوم توجه نشده و هیچ اقدام تحقیقاتی صورت نگرفته است. همچنین در این باره تاکنون نظریه و تئوری مستقل حداقل درون مرزی مطرح نگردیده است و این خلأ مهم باعث شده تا این پژوهش حلقه اتصال مطالعات روان‌شناسان مثبت‌نگر و مطالعات خرده‌فرهنگ‌های منحرف در زمینه پیشگیری از جرم باشد. محققان سرمایه روان‌شناختی اغلب هم به طور نظری ثابت کرده‌اند (لوتانز و یوسف^۱، ۲۰۰۷) و هم به طور تجربی نشان داده‌اند (اوی^۲، لوتانز و یوسف، ۲۰۱۰) که سرمایه روان‌شناختی یک مفهوم مرکزی یا یک مفهوم چندبعدی (شامل امید، خوش‌بینی، کارآمدی و سازش‌کاری) است. در واقع، لوتانز و همکارانش بر این باورند که سرمایه روان‌شناختی، با تکیه بر متغیرهای روان‌شناختی مثبت‌گرایی همچون امیدواری و خودکارآمدی منجر به ارتقای ارزش سرمایه انسانی (دانش و مهارت‌های افراد) و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط میان آن‌ها) در سازمان می‌شود. بنابراین، سرمایه روان‌شناختی، از متغیرهای روان‌شناختی مثبت‌گرایی تشکیل شده است که قابل اندازه‌گیری، توسعه و پرورش هستند و امکان اعمال مدیریت بر آن‌ها وجود دارد. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد این متغیرها، عبارتند از: الف) خودکارآمدی؛ ب) امیدواری؛ ج) خوش‌بینی؛ د) تاب‌آوری؛ پیچ و دونوهو^۳، ۲۰۰۴).

اصطلاح سرمایه اجتماعی پیش از سال ۱۹۱۶ در مقاله‌ای توسط هاینفان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد، اما نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوبز^۴ (۱۹۶۱) با عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی به کار رفته است. سرمایه اجتماعی مفهومی است

-
1. Youssef
 2. Avey
 3. Donaldson & Ko
 4. Jacobz

که پیشینه طولانی ندارد. به تدریج از دهه ۱۹۹۰ کاربرد این مفهوم در نظریه‌ها و مقالات علمی به ویژه رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش با آثار افرادی نظیر جیمز کلمن، پیر بوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است (فاضل و میری آشتیانی، ۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی از جمله نظریاتی است که از طریق تلفیق نظریات جرم‌شناسی با بحث‌های سطح خرد و کلان در مورد ساختارها و شبکه‌های اجتماعی به تبیین آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. از آنجایی که بیشتر مسائل اجتماعی برآمده از روابط اجتماعی هستند. نظریه‌های مورداستفاده در این مقاله برای بررسی رابطه سرمایه‌های روان‌شناختی - اجتماعی با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف نظریه سرمایه اجتماعی کلمن، سرمایه روان‌شناختی لوتانز، نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و نظریه پیوند افتراقی ساترلند می‌باشند. کلمن بر این باور است که سرمایه اجتماعی بر مبنای کارکرد آن تعریف می‌شود و ذات واحدی نیست بلکه مجموعه‌ای از ذات‌های گوناگون است که دو عنصر مشترک دارد: اول اینکه همه آن‌ها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختار اجتماعی‌اند، دوم اینکه برخی کنش‌های کنشگران را در محدوده ساختار تسهیل می‌کنند (تاجبخش، ۱۳۹۰). او معتقد است که سرمایه اجتماعی به صورت ذاتی در درون روابط و بین کنشگران وجود دارد و قادر است در هر سطح از تراکم جمعیتی ایجاد شود (پارسل^۱، ۲۰۱۰). کلمن بیشتر توجه خود را به سرمایه اجتماعی موجود در قلمرو خانواده معطوف کرده است. در نظریه کلمن عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی خانواده، یکی شبکه‌هاست که عنصری عینی است و دیگری هنجارها که عنصری ذهنی است (رایت و پاتریک^۲، ۲۰۱۲). به نظر کلمن یکی از سازوکارهایی که در درون خانواده‌ها برای رسیدن به اهداف به کار برده می‌شود، ایجاد و حفظ پیوندهای عاطفی پایدار است. وابستگی عاطفی تعهد تولید می‌کند و تعهد و علاقه اجتماعی نیز عناصر اصلی تشکیل دهنده هنجارهای اجتماعی و اخلاقی‌اند. پس بدون نوع وابستگی عاطفی نظم هنجاری غیرممکن است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل، دوستی متقابل که از ویژگی‌های اصلی همبستگی اجتماعی‌اند، همگی در وابستگی عاطفی ریشه دارند.

1. Parsel
2. Wright & Fitzpatrick

هر گاه تعامل به‌ویژه تعامل اجتماعی تداوم پیدا کند به رابطه اجتماعی تبدیل می‌شود و این رابطه باعث وابستگی عاطفی می‌شود. افزون‌بر رابطه اجتماعی، در بستر تعاملات اجتماعی، نوعی جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن نیز صورت می‌پذیرد (چلبی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر جنبه‌هایی از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی است. بدین معنی که از برخی از مؤلفه‌هایی نظریه او در فرایند شاخص‌سازی و نیز در تبیین رابطه سرمایه اجتماعی خانواده و تمایل به خرده فرهنگ گروه‌های انحرافی استفاده شده است.

هیرشی موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌کند. وی بر این اعتقاد است که کج‌رفتاری زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف شده یا گسسته شود. پیوند اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس که جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کجروی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد، گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۹۲). واپایش اجتماعی و پیوندهای اجتماعی یعنی عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی، عناصر ضروری نظریه پیوند اجتماعی هیرشی می‌باشند (سلمی و کیویوری، ۲۰۱۴). هیرشی معتقد است چهار عنصر اصلی که باعث پیوند فرد و جامعه می‌شود شامل وابستگی به اجتماع، تعهد، مشغولیت (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی) و اعتقاد و باور داشتن به قواعد اجتماعی است. نظریه هیرشی حاکی از آن است که کاهش دلبستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده بر میزان بزهکاری تأثیر مثبت دارد (احمدی، ۱۳۹۴).

در نظریه پیوند افتراقی، ساترلند معتقد است افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی شان است. براساس نظریه او می‌توان گفت که کج‌رفتاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به‌ویژه در چارچوب خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. ساترلند در نظریه خود معتقد است که انحرافات در قالب گروه‌های نخستین نظیر گروه دوستان یا خانواده آموخته می‌شود. وی انحراف را به تفاوت ارتباطات مربوط می‌داند. افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، منحرف یا تبهکار می‌شوند ساترلند خرده‌فرهنگ‌ها را چارچوبی می‌داند که به واسطه آن فرد از ارزش‌های جاری اجتماع فاصله گرفته و در فضایی قرار دارد که قانون‌شکنان و منحرفان برای او مهیا کرده‌اند و این همنشینی خودبه‌خود زمینه‌های گرایش به انحراف را در او به وجود می‌آورد (امین صارمی، ۱۳۸۹).

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف بنیادی و به لحاظ روش همبستگی بود. علت انتخاب آن در این پژوهش، وسعت جامعه مورد نظر و تعدد متغیرهایی است که باید سنجیده شود. جامعه آماری این تحقیق را ۱۹۰۹۰ دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۹۶-۹۷ را تشکیل می‌دهد. به لحاظ بالا بودن تعداد دانشجویان برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با مؤلفه‌های نامعین استفاده و تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. جامعه آماری در نظر گرفته شده برای این پژوهش شامل دانشجویان دختر و پسر در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشد.

$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq}$$

که در فرمول پیش گفته:

Z = ضریب درصد صحت گفتار که با ۹۵ درصد اطمینان می‌شود ۱/۹۶

P = نسبتی است برای صفت مورد بررسی که در اینجا حداکثر ۰/۵ در نظر گرفته شده است.
 q = نبود صفت مورد بررسی که از تفاضل $1-q$ به دست می‌آید که در اینجا ۰/۵ در نظر گرفته شده است.

d = محدوده اطمینان یا درجه اطمینان است و در اینجا حداکثر ۰/۰۷ در نظر گرفته شده است.
 n = حجم جامعه آماری است.

برای انجام این پژوهش، سطح اطمینان ۰/۹۵ بوده و میزان خطا ۰/۰۵ می‌باشد.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب (نظام‌مند) استفاده شد. به این صورت که جامعه نمونه به دانشکده‌ها تقسیم شده است و از هر گروه تعدادی (۱۰ درصد) به صورت تصادفی انتخاب شده است. سطح تحصیلات تکمیل کنندگان پرسش‌نامه‌ها از ۲۰۰ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده، تعداد ۱۸۸ نفر کارشناسی، ۶ نفر کارشناسی ارشد و ۵ نفر نیز دانشجوی دکتری می‌باشند. واحد تحلیل در سطح خرد و واحد مشاهده، فرد می‌باشد. توزیع افراد، درون طیف مثبتی بر شدت موافقت یا مخالفت آن‌ها با معرف‌های گفتاری انجام شده است.

در این پژوهش برای اندازه‌گیری سرمایه روان‌شناختی از پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز و آوولیو (۲۰۰۷)، استفاده شد. در این پرسشنامه از مقادیر استاندارد شده که به‌طور وسیعی ساختارهایی که امید، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی را می‌سنجد استفاده شد همچنین برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. در این پرسش‌نامه مؤلفه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و نیز مؤلفه‌های خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف به‌صورت مجزا طرح شد. برای سنجش سرمایه اجتماعی افراد از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۴۵ سؤال بوده که ابعاد اعتماد اجتماعی (۸ پرسش)، انسجام اجتماعی (۱۰ پرسش)، مشارکت (۱۰ پرسش)، تعهد اجتماعی (۸ پرسش) و دین‌داری (۷ پرسش) را می‌سنجد. ۳۰ پرسش دیگر پرسش‌نامه تمایل، نگرش و شناخت دانشجویان از خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف را می‌سنجد. مقیاس به‌کارگرفته‌شده در پرسش‌نامه‌ها مقیاس پنج‌قسمتی لیکرت بوده و مبنای خیلی زیاد تا خیلی کم و کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم را شامل می‌شود و از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت یا مخالفت خود را با گویه‌های پرسش‌نامه بیان کنند. سپس با یکسان‌سازی واحدهای سنجش متغیرها، شاخص‌سازی از طریق ترکیب ابعاد مفاهیم صورت گرفت. برای سنجش سرمایه روان‌شناختی افراد از پرسش‌نامه خودساخته استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال و هر خرده‌مقیاس شامل ۶ گویه است و آزمودنی‌ها به هر گویه در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) پاسخ خواهند داد. برای به‌دست آوردن نمره سرمایه روانی ابتدا نمره هر خرده‌مقیاس به‌صورت جداگانه به‌دست می‌آید و سپس مجموع آن‌ها به‌عنوان نمره کل سرمایه روان‌شناختی محسوب خواهد شد. در پژوهش بهادری خسروشاهی، هاشمی نصرت‌آباد و باباپورخیرالدین، ۱۳۹۱ میزان پایایی این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به‌دست آمده است (بهادری خسروشاهی، هاشمی نصرت‌آباد و باباپورخیرالدین، ۱۳۹۱). پرسشنامه از روایی و پایایی خوبی برخوردار است. نسبت خبی دو این آزمون برابر با ۲۴/۶ است و آماره‌های CFI ، $RMSEA$ در این مدل به ترتیب برابر ۰/۹۷ و ۰/۰۸ هستند (لوتانز و آوولیو، ۲۰۰۷). لوتانز و همکارانش پایایی پرسشنامه را بالای ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. در پژوهش قدیمی‌نوران و یونسی (۱۳۹۵) میزان پایایی این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به‌دست آمد. پس از جمع‌آوری اطلاعات و استخراج آن، داده‌ها برای تحلیل

به نرم‌افزار SPSS منتقل و در تحلیل یافته‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. برای تحلیل تأثیرات از روش‌های آماری ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیری استفاده شد.

نتایج

روش‌های آماری به کاررفته این پژوهش شامل روش‌های آمار توصیفی و روش‌های آمار استنباطی بوده است. در سطح آمار توصیفی از میانگین، انحراف معیار برای توصیف شرایط موجود استفاده گردید. در سطح آمار استنباطی جهت تعمیم صفات نمونه به جامعه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری برای آزمون فرضیه پژوهش استفاده شد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

| متغیر | میانگین | انحراف معیار |
|----------------------------------|---------|--------------|
| سرمایه روان‌شناختی | ۱۳/۵۳ | ۳/۰۵ |
| امیدواری | ۷/۸۶ | ۱/۸۶ |
| تاب‌آوری | ۶/۲۰ | ۲/۲۴ |
| خوش‌بینی | ۷/۳۳ | ۱/۹۰ |
| خودکارآمدی | ۹/۳۵ | ۲/۴۲ |
| سرمایه اجتماعی | | |
| انسجام اجتماعی | ۳۲/۸۹ | ۴/۷۹ |
| اعتماد اجتماعی | ۳۴/۲۶ | ۳/۴۷ |
| مشارکت اجتماعی | ۳۲/۶۵ | ۶/۹۸ |
| تعهد اجتماعی | ۳۳/۱۱ | ۴/۵۹ |
| تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف | ۲۱/۲۷ | ۱۰/۳۱ |

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار نمرات را در متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن‌ها با تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف نشان می‌دهد. فرضیه اول: به نظر می‌رسد میان سرمایه اجتماعی جوانان و مؤلفه‌های آنان (اعتماد، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعهد اجتماعی) و تمایل آن‌ها به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف رابطه وجود دارد.

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی جوانان و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

| شاخص تمایل | همبستگی پیرسون (R) | سطح معناداری (sig) |
|----------------|--------------------|--------------------|
| اعتماد اجتماعی | -۰/۵۲۹ | ۰/۰۰۴ |
| مشارکت اجتماعی | -۰/۰۸۶ | ۰/۲۳ |
| انسجام اجتماعی | -۰/۰۷۰ | ۰/۳۴ |
| تعهد اجتماعی | -۰/۶۱۶ | ۰/۰۰۰ |
| سرمایه اجتماعی | -۰/۹۸۲ | ۰/۰۰۲ |

برابر جدول شماره (۲) رابطه مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی با تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۰/۹۵) معنادار نیست. میزان خطای آزمون (sig) بالاتر از ۰/۰۵ است. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش که وجود رابطه همبستگی معنادار بین مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید نمی‌شود. اما رابطه میزان اعتماد و تعهد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۰/۹۵) معنادار است. میزان خطای آزمون (sig) معادل ۰/۰۰۰ است. بر این اساس فرضیه پژوهش که وجود رابطه همبستگی معنادار بین اعتماد و تعهد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید می‌شود. همچنین رابطه سرمایه اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۰/۹۵) معنادار است. میزان خطای آزمون (sig) معادل ۰/۰۰۲ است. بر این اساس فرضیه اصلی پژوهش که وجود رابطه همبستگی معنادار بین سرمایه اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید می‌شود. علت این امر شاید این باشد که خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف در دیدگاه کلی مردم مثبت می‌باشد و بنابراین نسبت به کسانی که به این گروه‌های تمایل دارند برخورد منفی می‌کنند.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد میان سرمایه روان‌شناختی جوانان و مؤلفه‌های آنان (امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی) و تمایل آن‌ها به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف رابطه وجود دارد.

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی جوانان و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

| شاخص تمایل | همبستگی پیرسون (R) | سطح معناداری (sig) |
|--------------------|--------------------|--------------------|
| امیدواری | -۰/۱۴۳ | ۰/۰۸ |
| تاب‌آوری | -۰/۳۰۹ | ۰/۰۰۱ |
| خوش‌بینی | -۰/۴۰۵ | ۰/۰۰۳ |
| خودکارآمدی | -۰/۰۱۶۸ | ۰/۸۲ |
| سرمایه روان‌شناختی | ۰/۴۸۱ | ۰/۰۰۳ |

برابر جدول شماره (۳) رابطه امیدواری و خودکارآمدی با تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۰/۹۵) معنادار نیست. میزان خطای آزمون (sig) بالاتر از ۰/۰۵ است. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش که وجود رابطه همبستگی معنادار بین امیدواری و خودکارآمدی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید نمی‌شود. اما رابطه خوش‌بینی و تاب‌آوری و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۰/۹۵) معنادار است. میزان خطای آزمون (sig) معادل ۰/۰۰۰ است. با توجه به اعداد به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معکوس ولی معنی‌داری بین میزان تاب‌آوری و خوش‌بینی افراد و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف وجود دارد، به عبارت دیگر، هر چه افراد دارای تاب‌آوری و خوش‌بینی بالایی باشند، تمایل کمتری به انجام خرده‌فرهنگ منحرف دارند. رابطه سرمایه روان‌شناختی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵ درصد) معنادار است. میزان خطای آزمون (sig) معادل ۰/۰۰۳ است. بر این اساس فرضیه پژوهش که وجود رابطه همبستگی معنادار بین سرمایه روان‌شناختی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید می‌شود.

۳-۵. تحلیل چندمتغیری

به منظور تبیین متغیر تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف، متغیرهای مدنظر در این پژوهش از طریق تحلیل رگرسیون چندمتغیری بررسی شد. متغیرهای زمینه‌ای سرمایه روان‌شناختی جوانان و مؤلفه‌های آنان (امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی)،

سرمایه اجتماعی و اجزای آن (اعتماد، مشارکت، انسجام و تعهد) به‌عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیوی شدند. این متغیرها با روش گام به گام (Step Wise) وارد معادله شدند. بدین ترتیب که متغیری که بیشترین بتا (ضریب تأثیر) را داشت ابتدا وارد معادله می‌شد و چنانچه آزمون T در سطح اطمینان معناداری (۹۵ درصد) بود متغیر وارد معادله می‌شد و در غیر این صورت از معادله حذف می‌شد.

جدول ۴. خروجی رگرسیون چندمتغیری عوامل مؤثر بر تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

| متغیرها | B | Std.Error | Beta | T | Sig |
|----------------|-------|-----------|--------|-------|-------|
| ثابت معادله | ۲۳/۰۲ | ۳/۸۷ | | ۵/۹۳ | /... |
| اعتماد اجتماعی | ۰/۶۳ | ۰/۱۴۵ | -۰/۳۷۵ | -۴/۳۴ | /... |
| تعهد اجتماعی | ۰/۷۱ | ۰/۱۵۱ | -۰/۳۴۶ | -۶/۶۲ | ۰/۰۰۰ |
| تاب‌آوری | ۰/۵۲ | ۰/۱۶۷ | -۰/۲۴۸ | -۵/۱۶ | ۰/۰۰۰ |
| خوش‌بینی | ۰/۴۷ | ۰/۱۸۲ | -۰/۲۲۴ | -۳/۴۱ | ۰/۰۰۰ |
| تمایل به عضویت | ۱/۴۵ | ۰/۳۵۹ | ۰/۳۵۱ | ۴/۰۵ | /... |

بیشترین بتا (ضریب تأثیر) متعلق به اعتماد اجتماعی (۰/۳۷۵-) است که بر این اساس می‌توان گفت مهمترین متغیری که بر تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف مؤثر است، اعتماد اجتماعی است. علامت منفی بیانگر جهت معکوس این اثرگذاری است، یعنی هر چه قدر اعتماد اجتماعی افزایش یابد، تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف کاهش می‌یابد و برعکس هر چه قدر اعتماد اجتماعی ضعیف‌تر شود تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بیشتر می‌شود. تعهد اجتماعی پس از متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین ضریب تأثیر را دارد. بتا یا ضریب تأثیر این متغیر «-۰/۳۴۶» است که بر این اساس می‌توان گفت هر چه قدر تعهد اجتماعی افزایش می‌یابد تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف نیز کاهش می‌یابد. همچنین ضریب تأثیر متغیر تاب‌آوری و خوش‌بینی به ترتیب برابر با ۰/۲۴۸- و ۰/۲۲۴- است که هر چه افراد دارای تاب‌آوری و خوش‌بینی بالایی باشند، تمایل کمتری به انجام خرده‌فرهنگ منحرف دارند. میزان همبستگی چندگانه (R) متغیرهای مستقل با متغیر وابسته برابر با ۰/۵۷ است و ضریب تعیین (Rsquare) برابر با ۰/۳۲ است، یعنی ۳۲ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیرهای وارد شده در الگو تبیین می‌شود.

جدول ۵. خروجی میزان همبستگی چندگانه

| همبستگی چندگانه (R) | ضریب تعیین (R square) | مقدار F | سطح معناداری (Sig) |
|---------------------|-----------------------|---------|--------------------|
| .۵۷ | .۳۲ | ۱۵/۷۱ | ./... |

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی ارتباط بین سرمایه‌های روان‌شناختی و اجتماعی و تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف پرداخته است. برابر تحلیل یافته‌های تحقیق برخی از فرضیات این پژوهش پذیرفته شد، از جمله رابطه اعتماد اجتماعی و تعهد اجتماعی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با تمایل جوانان به گروه‌های منحرف تأیید شد در حالی که رابطه مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر تمایل جوانان به گروه‌های منحرف تأیید نشد (جدول ۳). همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که میزان تأثیر این مؤلفه‌ها بر تمایل به گروه‌های منحرف با یکدیگر متفاوت است. به طوری که مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر تمایل به گروه‌های منحرف به ترتیب اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی و تمایل به عضویت در گروه‌های انحرافی بوده است. بین اعتماد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، رابطه معناداری مشاهده شد. این همبستگی به صورت منفی و معکوس است یعنی با افزایش اعتماد اجتماعی، تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف کاهش می‌یابد و با کاهش اعتماد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف افزایش می‌یابد. نتایج این یافته با پژوهش‌های حیدری (۱۳۹۳) و مهرعلی و همکاران (۱۳۹۵) و رایت و همکارانش (۲۰۱۳) همسو است. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به قوام نظریه لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) مبنی بر این که مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و اجتماعی از مجموعه اجزای خود (امیدواری، خوش‌بینی، انعطاف‌پذیری) و سرمایه اجتماعی (شبکه روابط میان آن‌ها) بیشتر است بیانجامد. این مسئله گویای هم‌کنشی مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی می‌باشد که در امتداد خط فکری افراد با گروه‌های منحرف قرار گرفته. با توجه به این رابطه می‌توان گفت اگر در جامعه جوانان اعتماد بیشتری نسبت به سازمان‌ها، نهادها و مسئولین کنند، به راحتی می‌توان از گرایش و جذب آنان به گروه‌های منحرف جلوگیری کرد. بنابراین تقویت و گسترش اعتماد و تعهد اجتماعی در سطح جامعه و به خصوص در بین جوانان به صورت یک مؤلفه بنیادین می‌تواند در ایجاد نظم اجتماعی و همچنین حفظ

توجه به منافع و حقوق دیگران و عدم گرایش به نمادها و عقاید گروه‌های منحرف شود. زیرا پایبندی به تعهد اجتماعی و اعتماد باعث تعهد درونی در بین افراد می‌شود و افراد اگر عملی را مرتکب شوند که مطابق تعهدات درونی نباشد، احساس گناه و پشیمانی می‌کنند و همین امر مانع تکرار آن عمل می‌شود.

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین متغیر تاب‌آوری و خوش‌بینی از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف (جدول ۴) همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش سرمایه روان‌شناختی مانند خوش‌بینی بیشتر و افزایش تاب‌آوری در برابر مشکلات، تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف در جوانان کاهش می‌یابد. اما نتایج این تحقیق نشان داد که میزان تأثیر این مؤلفه‌ها بر تمایل به گروه‌های منحرف با یکدیگر متفاوت است. به طوری که مهمترین متغیر اثرگذار بر تمایل به گروه‌های منحرف به ترتیب تاب‌آوری، خوش‌بینی و تمایل به عضویت در گروه‌های انحرافی بوده است. سیلوا و هامیلتون (۲۰۱۰) از ماهیت پیش‌برنده نقش سرمایه روان‌شناختی در بازیابی خود به هنگام تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف حکایت دارد. جوانان کسانی هستند که تحمل ابهام و شکست‌پذیری بالایی از خود نشان می‌دهند و سرمایه روان‌شناختی بالا به آن‌ها این امکان را می‌دهد که هنگام تجربه شکست و ناکامی (تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف) انعطاف‌پذیری از خود بروز داده و با اتخاذ سبک خوش‌بینی مناسب به آینده امیدوار بوده و تلاش کنند تا به اعتماد به نفس شرایط را برای از بین بردن وضعیت موجود و تکرار موفقیت‌های گذشته تغییر دهند. همچنین نتایج این یافته با پژوهش‌های لی (۲۰۰۰) و هارفام و همکاران (۱۹۹۴) و آوی و همکارانش (۲۰۱۰) همسو است. بین تاب‌آوری، خوش‌بینی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، رابطه معناداری مشاهده شد. این همبستگی به صورت منفی و معکوس است یعنی با افزایش تاب‌آوری، خوش‌بینی و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف کاهش می‌یابد و با کاهش تاب‌آوری، خوش‌بینی و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف افزایش می‌یابد. در همین زمینه وایتفورد (۲۰۰۰) نیز دریافت که هرچه افراد به لحاظ اجتماعی منزوی تر باشند، از سلامت روانی کمتری برخوردارند و برعکس هرچه پیوستگی اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، آن جامعه سالم تر خواهد بود. از این رو توجه به این نکته که آگاهی جوانان از خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف از کارکردهای سرمایه روان‌شناختی را ضرورت می‌بخشد؛ سرمایه‌ای که می‌تواند در جهت پیشرفت و بهبود

عملکرد فردی جوانان و افزایش نفوذپذیری در آنان با هدف رشد و توسعه از خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف استفاده شود. بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف، تکیه بر متغیرهای روان‌شناختی مثبت‌گرایی همچون امیدواری، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی است که می‌تواند به ارتقای سرمایه انسانی مانند دانش و مهارت‌های جوانان در حوزه خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف منجر شود.

همچنین با توجه به نتایجی که از آزمون فرضیات ارائه شده به دست آمده، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که شبکه مسجمی از روابط اجتماعی وجود داشته باشد، که مبتنی بر اعتماد اجتماعی باشد. به طور کلی زمانی که اعتماد افراد نسبت به یکدیگر افزایش می‌یابد، روابط افراد به یکدیگر از انسجام بیشتری برخوردار بوده و افراد نسبت به حقوق یکدیگر احساس تعهد و پایبندی بیشتری می‌کنند. در نتیجه وجود روابط سالم با اطرافیان اعتماد و مشارکت را به دنبال دارد و این چرخه سالم، باعث رشد افراد و در نتیجه جامعه می‌شود. به نظر کلمن وابستگی عاطفی تعهد تولید می‌کند و تعهد و علاقه اجتماعی نیز عناصر اصلی تشکیل‌دهنده هنجارهای اجتماعی و اخلاقی‌اند. پس بدون نوع وابستگی عاطفی نظم هنجاری غیرممکن است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل، دوستی متقابل که از ویژگی‌های اصلی همبستگی اجتماعی‌اند، همگی در وابستگی عاطفی ریشه دارند.

از این رو پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی در بین افرادی که در این گروه‌ها عضویت داشته و دانشجویان، مطالعه تطبیقی انجام شود. گفتنی است که آگاهی نداشتن والدین از این گروه‌ها باید از طریق تبلیغات و اطلاع‌رسانی و سپس متقاعدسازی افکار عمومی (جامعه) حساسیت خانواده‌ها و مسئولین را نسبت به پدیده خرده‌فرهنگ‌های منحرف تحریک کنند. این مهم از مسیر رسانه (ملی و محلی) امکان‌پذیر است.

جوانان قشر عظیم جامعه هستند و سلامتی روان‌شناختی آن‌ها برای جامعه ارزش بالایی دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که تاب‌آوری و خوش‌بینی تأثیر مؤثری بر تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف دارد. پس می‌توان پیشنهاد نمود که با ارتقای سرمایه روان‌شناختی (تاب‌آوری و خوش‌بینی) در بین جوانان، شاخص توانمند را در جهت کاهش تمایل به

خرده‌فرهنگ منحرف فراهم نمود. این توانمندی به لحاظ عملی از طریق ارزیابی زندگی افراد جامعه مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید بر اساس ابزار و امکانات موجود کیفیت زندگی جوانان را ارتقاء دهند، نوعی تعادل و یکپارچگی فعال در جامعه برای آنان به وجود آورند و با یک نظام تبلیغاتی به تقویت مناسبات و همبستگی‌های اجتماعی بپردازند. همانند هر پژوهشی این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان گفت نمونه مورد بررسی در این پژوهش نمونه دانشجویان بودند که معرف سایر گروه‌های اجتماعی نیست و بهتر است در پژوهش‌های آتی از سایر نمونه‌های جامعه نیز استفاده شود و بهتر است نمونه‌هایی از سایر مناطق جغرافیایی جمع‌آوری گردد و بررسی انجام گیرد تا امکان تعمیم نتایج با اطمینان بیشتری فراهم شود.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
- امین صارمی، نوذر. (۱۳۸۹). *انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های متعارض*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۹۰). *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*. ترجمه افشین خاکبار و حسن پویان، تهران: انتشارات شیرازه.
- حسن‌پور، علی. (۱۳۹۶). *علل گرایش جوانان به مظاهر فرهنگ غرب در اردبیل*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. شماره ۱. ۸۶-۸۸.
- حیدری، میرطاهر. (۱۳۹۳). *پدیده مدگرایی جوانان*. فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی. شماره ۲۳. ۲۸-۱۵.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*. تهران: انتشارات آگاه.
- ربانی، رسول. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی جوانان، تهران: انتشارات آوای نور*.
- رحیمی، محمود. (۱۳۹۰). *بررسی مظاهر و پیامدهای تهاجم فرهنگی در آموزش و پرورش و راه‌های مقابله با آن*. مجموع مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره یک، جلد اول. تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی.
- ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات آوای نور.

- طالبی، اکبر (۱۳۹۲). بررسی بیگانگی ارزشی جوانان با تاکید بر سرمایه‌ی اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- فاضل، رضا و میری آشتیانی، الهام. (۱۳۸۷). آسیب‌های اجتماعی ایران. نگاهی به آینده. تهران: انتشارات شادان.
- مهرعلی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). بررسی گرایش جوانان به گروه‌های نابهنجار موسیقی غرب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- هاشمی، تورج؛ باباپور خیرالدین، جلیل و بهادری خسروشاهی، جعفر. (۱۳۹۱). نقش سرمایه روان‌شناختی در بهزیستی روانی با توجه به اثرات تعدیلی سرمایه اجتماعی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. ۱. ۱۴۴-۱۲۳.
- هال، استوارت؛ جفرسون، می. (۱۳۸۲). رمزگذاری و رمزگشایی. ترجمه نیما ملک محمدی. تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
- هویدا، مهدی؛ جعفری، پریش و کمالی دولت‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین هوش هیجانی سرمایه روان‌شناختی و شادی در کارکنان صنایع نساجی یزدباف، مجله - ی نساجی امروز، ۵۳. ۵۸-۵۲.
- Avey, J. B., Luthans, F., Youssef, C. M. (2010). "The additive value of positive psychological capital in predicting work attitudes and behaviors". *Journal of Management*, 36(2), 430-452.
- Goldsmith, A. H., Veum, J. R., & Darity Jr, W. (1997). The impact of psychological and human capital on wages. *Economic inquiry*, 35(4), 815-829.
- Harpham, T. (1994). "Urbanization and mental health in developing countries: a research role for social scientists, public health professionals and social psychiatrists". *Social Science & Medicine*, 39(2), 233-245.
- Lawson, R. Todd, S. (2002), "Consumer lifestyles: A Social Stratification Perspective", *Journal of Macro-marketing*, 2(3), 295-307.
- Lee, K. M. (2000). "Presence as a mediator for psychological effects of computer games". *Panel Presentation at the Annual Conference of the International Communication Association (ICA)*, New York, 26(3), 20-26.
- Luthans, F (2002) The need for and meaning of positive organizational behavior. *Journal of Organizational Behavior J. Organiz. Behav.* 23(8), 695-706.
- Luthans, F., & Youssef, C. M. (2007). Emerging positive organizational behavior. *Journal of Management*, 33(6), 321-349.

- Parcel, Toby; Menagman, Elizabeth. (2010). "Family Social capital and problems childrens behavior", *Social psychology Quarterly*, 56(2), 120-135.
- Salmi, venla. & Kivivuori, Janne. (2014), *Differences in Social Capital Between 54 Western European Regions*. *Regional Studies*, 39, 64-87.
- Silvera, E., Allebech, P. (2001). "Migration, aging and mental health: an ethnographic study on perceptions of life satisfaction, anxiety and depression in older Somali men ineast London". *International Journal of Social Welfare*, 10, pp: 309-319.
- Trostel, M. A. (2015). "Resilience in ecosystemic context: Evolution of the concept". *American Journal of Orthopsychiatry*, 71(3), 290.
- Veal, A.J. (2014), "Lifestyle, Leisure and neighbourhood", In: Veal, A.J. Jonson, P. Cushman, G. (eds) "Leisure and Tourism: Social and Environmetal Change", *World Leisure and Recreation Association 1991 Congress Proceedings, Centre for Leisure and Tourism Studies, University of Technology, Sydney*, 35(2), 404-413.
- Walters, G. D. (2006), "*Lifestyle Theory: Past, Present, and Future*", Nova Publishers, 240 pages.
- Whiteford, H. (2000). "*Human capital, social capital and mental health*". Social Science &
- Wright, Darlene R, Fitzpatrick, Kevin m. (2006). Social capital and Adolescent violent bahaivior. *Social forces*, 84(3), 1435-1453.
- Wright, john, Cullen, paul, francis t, miller, Jeremy. (2001). Family social capital and delinquent involvement, *journal of criminal justice*, 29. 1-9.
- Wright, John; Cullen, Paul; Francis T.; Miller, Jeremy (2013) " Family Social Capital and Delinquent Involvement", *Journal of Criminal Justice*, 41(3), 29:1-9.